



ابعاد مختلف دیدگاه‌های امام خمینی در باب سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

صلح و دوستی است اما از آن‌جا که رابطه سیاسی یک پدیده دوجانبه می‌باشد، نوع عملکرد و واکنش طرف مقابل در تنظیم چگونگی رابطه بسیار موثر می‌باشد. در این‌جا، بحث بسیار مهم اراده سیاسی مطرح می‌شود که نقش اساسی در برقراری رابطه و یا تضعیف یا قطع آن خواهد داشت.

اراده سیاسی هر دولت ناشی از تفکر، منافع و مصالحی است که توسط مسؤولان دنبال می‌شود و واکنش آن‌ها را نسبت به برقراری رابطه با دولت‌های دیگر تعیین می‌کند.

بر مبنای بینش امام خمینی که برگرفته از اندیشه اسلامی است، کشورها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- دارالاسلام که شامل کشورهایی است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند.

۲- دارالعهد که به کشورهایی گفته می‌شود که اسلامی نیستند اما خطر و ضرری هم برای

دیدگاه امام خمینی در سیاست خارجی نشأت گرفته از دین مبین اسلام و انقلاب اسلامی است که هر دو مبنایی جهانی دارد. اسلام یک دین کشوری و یا منطقه‌ای نیست بلکه دعوتی مصلحانه است که کل جهان و بشریت را مخاطب قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی نیز گرچه در ایران به وقوع پیوست، پیام آن که مبارزه با دیکتاتوری و وابستگی به غیر بود، کشورهایی را هدف قرار داد که از این دو پدیده رنج می‌بردند.

طبیعی است که برای رساندن پیام اسلام و انقلاب به مردم جهان راهی جز ارتباط و ایجاد رابطه با همگی کشورها وجود ندارد، چرا که در غیر این صورت پیام در داخل کشور محبوس می‌شود و به مرور زمان کارایی خود را از دست می‌دهد.

دیدگاه امام خمینی در سیاست خارجی بر مبنای بینش اسلامی، برقراری رابطه با کشورها براساس

نکته مهم این است که آیا در دیدگاه امام خمینی آمریکا هم مثل اسرائیل است و دارالحرب تلقی می‌شود یا این که با آن متفاوت است.

برخورد امام خمینی با آمریکا نشان از این واقعیت دارد که ایشان این دو را متفاوت از یکدیگر می‌بیند و بر همین مبناء، در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی دستور قطع رابطه با اسرائیل را صادر کرد و سفارت اسرائیل در تهران را به سفارت فلسطین تبدیل نمود اما چنین برخوردی با آمریکا انجام نشد. رابطه با آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم‌چنان ادامه داشت و امام دستوری مبنی بر قطع رابطه با آمریکا صادر نکرد تا این که آمریکا خود تصمیم به قطع رابطه با ایران گرفت و از ایران رفت.

نکته مهم این است که علیرغم حمایت‌های تمام عیار آمریکا از رژیم شاه و دخالت این دولت در کودتای ۲۸ مرداد و سرنگون کردن دولت ملی دکتر مصدق، امام خمینی حکم به قطع رابطه با این کشور نداد و حتی اعلام نمود که آمریکا اگر آدم بشود می‌توانیم با او رابطه برقرار کنیم.

این نوع واکنش امام نسبت به آمریکا حاکی از این است که امام برخلاف اسرائیل، کشور آمریکا را به رسمیت می‌شناسد اما عملکرد دولت آن کشور را نسبت به ایران قبول ندارد و خواهان تغییر آن است. به عبارت دیگر، امام خمینی از آمریکا می‌خواهد تا نسبت به ایران و جهان اسلام تغییر رفتار دهد نه این که وجود این کشور را هم‌چون اسرائیل به رسمیت نشناسد.

در یک جمع‌بندی در این بخش، این نتیجه حاصل می‌شود که امام خمینی به غیر از اسرائیل

کشورهای اسلامی ندارند و دارای معاهده‌های رسمی و غیررسمی با مسلمانان هستند.

۳- دارالحرب که با کشورهای اسلامی در حال جنگ هستند و قصد براندازی و نابودی کشورهای اسلامی را دارند.

نوع رابطه سیاسی با هر یک از این سه گروه از دیدگاه امام خمینی متفاوت است. ایشان اولویت اول را در رابطه با کشورهای مسلمان می‌داند و سپس رابطه با غیرمسلمانان غیرمحارب را برای تأمین نیازها و رفع مشکلات کشور ضروری می‌داند. در این چارچوب، طبیعی است که برقراری رابطه با دشمنان حربی که قصد براندازی نظام اسلامی را دارند، معنایی ندارد و از دستور کار سیاست خارجی خارج است.

مصادق خارجی دارالاسلام و دارالعهد در واقع تمامی کشورهای مسلمان و غیرمسلمان هستند که رابطه با آن‌ها برقرار می‌شود تا بر مبنای احترام متقابل و منافع مشترک همکاری‌ها ادامه پیدا کند. مصادق خارجی دارالحرب در شرایط فعلی از دیدگاه امام خمینی اسرائیل است که رژیمی اشغالگر و دشمن سرسخت مسلمانان و جمهوری اسلامی ایران است. این رژیم صهیونیستی سرزمین مقدس و اسلامی فلسطین را اشغال کرده و آن‌جا را مرکزی برای توطئه علیه جهان اسلام قرار داده و مسجدالاقصی قیله اول مسلمانان را به آتش کشیده و در پی نابودی تمامی آثار اسلامی در بیت‌المقدس می‌باشد.

طبیعی است که برقراری رابطه با چنین رژیمی در چارچوب مبانی اسلامی قرار ندارد و برای همیشه رابطه قطع خواهد بود.

برقراری رابطه با تمامی کشورهای جهان را ضروری می‌داند و این ضرورت را از مکتب اسلام و اندیشه انقلاب اسلامی ایران دریافت کرده است. رابطه‌ای که پاسخ‌گوی جهانی بودن مکتب و بشری بودن پیام انقلاب است.

نکته مهم دیگر در سیاست خارجی بحث رقابت است. در این حوزه حتی نزدیک‌ترین دولت‌ها با یکدیگر رقابت دارند، زیرا هر کدام از آن‌ها بر مبنای منافع ملی خود اقدام می‌کنند که با منافع کشورهای دیگر و حتی دوست در رقابت است. موضوع قابل توجه در زمینه مذکور این است که نباید عملکردها به گونه‌ای باشد که این رقابت تبدیل به خصومت شود و رقابت دوستانه جای خود را به رقابت خصمانه که تهدیدی جدی برای کشور است، بدهد.

همان‌گونه که اشاره شد همه دولت‌ها در پی منافع ملی خود هستند که گاه با منافع دیگر کشورها تعارض پیدا می‌کند. این اختلاف منافع را به چهار دسته تقسیم می‌کنند که شامل موارد زیر است:

۱- منافع متعارض

۲- منافع اختلاف‌زا

۳- منافع موازی

۴- منافع مشترک

دولتی در سیاست خارجی موفق است که بتواند تعارض در منافع با کشورهای دیگر را از بین ببرد و اختلاف بر سر منافع را با دیگران حل کند و در پی ایجاد منافع موازی و در نهایت منافع مشترک باشد. ایده‌آل‌ترین نوع رابطه بین دو کشور رابطه‌ای است که منافع طرفین را تأمین می‌کند و دو کشور از آن منتفع می‌شوند.

برخورد امام خمینی در این زمینه دقیقاً در جهت

کاهش تعارض با دولت‌ها و حرکت به طرف منافع مشترک بود.

عربستان سعودی از کشورهای مهم منطقه خلیج فارس و یکی از رقبای جدی ایران در دوره‌های مختلف بوده است. رقابت عربستان با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه پس از شروع تجاوز نظامی صدام حسین به ایران و به خصوص بعد از کشتار حجاج مظلوم ما در مکه به اوج خود رسید و حالت کاملاً خصمانه به خود گرفت. این رابطه به جایی رسید که حتی امام خمینی فهد را بدتر از صدام دانست و تأکید کرد که اگر از صدام بگذریم از فهد نمی‌گذریم.

این وضعیت مدتی ادامه داشت و حتی حج ایرانیان تعطیل گردید اما از آن‌جا که امام این موقعیت را به نفع ایران و به ویژه موضوع عبادی سیاسی حج نمی‌دانست، به وزارت امور خارج دستور داد تا رابطه را از سر گیرند و مقدمات برقراری اعزام حجاج ایران را فراهم نمایند.

این اقدام امام خمینی باعث شد تا یخ‌های روابط بین دو کشور ذوب شود و به مرور زمان دشمنی‌ها کنار رود و تعارض‌ها و اختلاف‌ها تا حدی حل شوند و منافع موازی و سپس مشترک در رابطه بین دو کشور ایجاد گردد. این سیاست امام در نهایت در دولت اصلاحات به طور کامل به نتیجه رسید و باعث شد رابطه بین دو کشور به بهترین حالت خود برسد و در نهایت، رقابت خصمانه تبدیل به رقابت دوستانه شود.

در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی قدرت حرف اول را می‌زند و پذیرفته شدن در جامعه بین‌الملل و کسب جایگاه مناسب برای هر کشور و دولت به

تکنولوژیک و رسانه‌ای بالایی دارند که قدرت نظامی آمریکا را به عقب می‌راند.

امام خمینی در روابط بین‌الملل مهم‌ترین عامل قدرت را نفوذ در توده‌های مردم مسلمان ایران و جهان می‌دانست و از این طریق بر مسایل مهم جهانی تأثیر می‌گذاشت.

ایشان در ابتدا با طرح ایجاد وحدت در بین مسلمانان، توطئه تاریخی اختلاف بین فرق اسلامی را خنثی کرد و سپس با استفاده از روز قدس و قضیه فلسطین تمامی مسلمانان را حول یک محور جمع نمود و اسرائیل و حامیان بزرگ غربی او را تحت فشار قرار داد. امام معتقد بود که اسرائیل یعنی همه استکبار و راه مقابله با آن وحدت کل جهان اسلام است.

امام خمینی در عین حال از محیط بین‌الملل برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کرد اما پایگاه اصلی قدرت خود را ملت ایران و ملل مسلمان جهان می‌دانست.

قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل استفاده ابزاری بود که امام برای حفظ منافع ملی و تمامیت ارضی کشور از یک سازمان بین‌المللی به کار برد و ایران را از خطر سقوط و نابودی نجات داد.

دکتر سید محمد صدر

میزان قدرتی است که آن واحد سیاسی با خود به همراه دارد.

در گذشته‌های نه چندان دور تنها معیار توانایی قدرت نظامی و توان تسلیحاتی بود که نقش و اندازه یک کشور را در جامعه بین‌الملل تعیین می‌کرد اما در شرایط کنونی، به غیر از قدرت نظامی به توان اقتصادی، سطح تکنولوژی، توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به کارگیری دیپلماسی عمومی و شبکه‌های اجتماعی و محیط مجازی و همچنین نوع تفکر و ایدئولوژی و همچنین پایگاه مردمی یک دولت در داخل و خارج واحد سیاسی که مجموعاً قدرت نرم نام دارد، توجه می‌شود.

بر مبنای تقسیم‌بندی قبلی، جهان به دو قطب غرب و شرق تبدیل شده بود که فاتحان جنگ دوم جهانی بودند و آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب نظامی برتر در رأس این دو قطب قرار داشتند. در حال حاضر، جهان دوقطبی نیست اما یک قطبی هم نشده، زیرا همان‌طور که اشاره گردید علیرغم فروپاشی شوروی و ماندگاری دولت آمریکا قدرت‌های نوظهور دیگری در حال شکل‌گیری هستند که هژمونی تک قطبی آمریکا بر جهان را به چالش می‌کشند. این قدرت‌های نوظهور که دیگر قدرت نظامی نیستند شامل اتحادیه اروپا چین، ژاپن، هند و ... می‌باشند که قدرت اقتصادی

